

# پرچم هویت یا عید دینی؟

## تحلیل سیر تاریخی- سیاسی غدیر

## از صدر اسلام تا صفویه

ذکرالله محمدی

غدیر، هیچ‌وقت، برای ایران، چیزی جز یک پرچم هویتی نبوده؛ چون، دستگاه صفوی دقیقاً به‌همین دلیل، از دل تاریخ اسلام، بیرونش کشید و از آن، عید ساخت؛ حکومت صفوی نه فقط یک پیچ مهم در تاریخ ما که در کل خاورمیانه بود. بنابراین، سدی که صفویه زد، نه یک دیوار بین ما و ترک‌ها؛ بلکه در اصل، یک دیوار در برابر غرب بود؛ اینکه ریشه این غرب‌ستیزی کجاست و چرا آن‌قدر عمیق است، یک بحث مستقل دیگر می‌باشد؛ اما این تصور که غدیر را برجسته کردند تا سربازان ایرانی ذکر یاعلی برای جنگیدن داشته باشند، ساده‌انگارانه است؛ دعوا پیچیده‌تر از این‌ها بود؛ دعوی ابدی بود که تا همین امروز گریبان‌مان را رها نکرده؛ این غرب‌ستیزی، کل مذهب را کرد زیر جوهر هویت جدید و دوباره بیرونش آورد، تا جایی که غصب خلافت علی <sup>(علیه السلام)</sup> را نه صرفاً اختلافی بین آن‌حضرت و عموزادگانش، بلکه اختلافی بین علی <sup>(علیه السلام)</sup> و غرب می‌دیدند؛ چون معاویه حاکم شام بود و شام در حوزه فرهنگی غرب.

اگر درک کنید که تشیع در ایران چیزی جز هویت غرب‌ستیز نیست، متعاقباً درک خواهید کرد که در یک روز فرضی که سد شکسته بشود و این هویت، موضوعیت خودش را از دست بدهد، خودنمایی‌های مربوط به آن هم آب خواهد رفت.

گفت: ما فقط روایت می‌کنیم؛ درباره آن سؤال نمی‌کنیم.

تلقی شیعیان و محبان امام علی <sup>(علیه السلام)</sup> که شمارشان هم در اوج فشارهای دوره خلفای اول و بعدها در طول نود سال بنی‌امیه که دشمن اصلی خود را علویان و اهل بیت <sup>(علیهم السلام)</sup> می‌دانستند، کم بود . این بود که غدیر به‌معنای امامت است؛ طبعاً شیعیان در این دوره، در اقلیت و تحت فشار بودند و صدای‌شان کمتر شنیده می‌شد؛ شاید یکی از موارد بسیار جالب، این خبر است که عدی‌بن حاتم طایی در برابر معاویه، حدیث غدیر را مطرح کرد و گفت: «ا ما کائن رسول الله، <sup>(ص)</sup> أقامه علماً یوم حجةالوداع ونادی علیه یوم غدیرخم: ألا من کنت مولاه فعلی مولاه؛ اللهم وال من ولاه وأخذل من خذله وانصر من نصره».

یک بار هم وقتی در حضور معاویه، عمروبن عاص، به امام علی <sup>(علیه السلام)</sup> توهین کرد، کسی به‌نام «برد» از قبیله «همدان» که آنجا بود، گفت: ما از پدران خود شنیده‌ایم که رسول <sup>(ص)</sup>، در مورد علی <sup>(علیه السلام)</sup> فرمود: من کنت مولاه فهذا علی مولاه.

یک بار نیز، سعدوقاص، در برخورد با معاویه، گفت: علی <sup>(علیه السلام)</sup>، نسبت به او سزاوتر به حکومت است؛ معاویه پرسید: چرا؟ سعدوقاص گفت: لأن رسول الله <sup>(ص)</sup> یقول: «من کنت مولاه فعلی مولاه».

این در حالی بود که موالیان خلفا از اهل سنت که اساس کارشان با سقیفه و خلافت ابوبکر، عمر و عثمان شکل گرفت و بنی‌امیه آن را حمایت کردند، این بود که این حدیث، به‌معنای نصب امام علی <sup>(علیه السلام)</sup> به امامت نیست؛ طبعاً نباید کسی از آنها انتظار داشته باشد که این را بپذیرند؛ در این‌باره از سوی دو طرف، هزاران صفحه در کتاب‌های کلامی نوشته شده و درباره ادله خود سخن گفته‌اند؛ این گفت‌وگوها از قرن اول بوده و اهل سنت، برای اینکه بگویند، حسن مثنی اعتقاد به اینکه حدیث غدیر، نص در امامت است، نداشته، گفت‌وگویی از او با یک «رافضی» آورده‌اند.

حداقل دلالت این قصه آن است که در نیمه دوم قرن اول، بحث از غدیر و استناد آن، برای امامت بوده است؛ اهل سنت مدعی بودند که الفاظی که در این حدیث به‌کار رفته، به‌معنای نصب و استخلاف نیست؛ متکلمان شیعه هم می‌گفتند: ولایت ولی و اولی‌بودن، به‌معنای امامت است؛ در اینجا باید به جنبه‌های مذهبی، سیاسی و تسلط قدرت اهل سنت، در این بحث توجه داشته باشیم؛ به هر حال، هدف اصلی بیش از نود سال حکومت بنی‌امیه، محو تمام نشانه‌های ولایت و امامت اهل بیت <sup>(علیهم السلام)</sup> بوده است؛ حدیث اهل سنت نیز در این دوره شکل گرفته و البته بعدها عباسیان، قدری فضا را آرام‌تر کردند؛ طبیعی است که در این زمینه، در برابر حدیث غدیر مقاومت کنند؛ شیعیان، با وجود اینکه در اقلیت بودند، با پشتوانه غدیر، مذهب خویش را حفظ کردند و وفاداری‌شان را به امام علی <sup>(علیه السلام)</sup>، بر اساس همین حدیث، استوار نگاه داشتند؛ اشاره‌ای به عباسیان، شاید ایجاب کند، این شاهد را بیاوریم که وقتی عبدالسلام یشکری از خوارج، در سال ۱۶۰ق، شورش و در سخنانش به امام علی <sup>(علیه السلام)</sup> توهین کرد، مهدی عباسی، در نامه‌اش او را به یاد «حدیث صادق عن النبی»<sup>(ص)</sup>، یعنی حدیث «من کنت مولاه فعلی مولاه» انداخت.

• **عمر بن عبدالعزیز و حدیث غدیر**

بر اساس روایتی که ابوالفرج اصفهانی در الاغانی، نقل کرده: «عمر بن عبدالعزیز گفت: چند نفر را که رسول اکرم <sup>(ص)</sup> را درک کرده بودند، دیدم که می‌گفتند: قال رسول الله <sup>(ص)</sup>: من کنت مولاه فعلی مولاه؛ روایت این است: مردی به‌نام یزید بن عیسی، از موالی امام علی <sup>(علیه السلام)</sup>، در خصاصه ـ شهری از توابع حلب ـ بر عمر بن عبدالعزیز وارد شد؛ درحالی‌که او به افراد غریب ۲۰۰ درهم [سکه نقره] می‌داد؛ عمر بن عبدالعزیز، از یزید بن عیسی پرسید: از کجا هستی؟ گفت: حجاز؛ پرسید: کجای حجاز؟ گفت: مدینه؛ پرسید: کدام طایفه؟ گفت: قریش؛ پرسید: کدام جماعت از آنان؟ گفت: بنی‌هاشم؛ پرسید: از کدام دسته آنان؟ گفت: مویلی علی و ساکت شد؛ گفت: کی؟ گفت: ابن ابی طالب؛ عمر نشست؛ عبا را پهن کرد و دست روی سینه گذاشت و گفت: «وَأنا والله مویلی علی؛ به خدا سوگند! من هم از موالی علی هستم»؛ بعد گفت: شهادت می‌دهم که شماری از کسانی که رسول خدا <sup>(ص)</sup> را درک کرده‌اند، گفتند که حضرت فرمود: من کنت مولاه، فعلی مولاه؛ بعد هم، با اینکه به دیگران، ۲۰۰ درهم می‌داد، به یزید، به‌خاطر ولاء او به علی <sup>(علیه السلام)</sup>، پنجاه دینار ـ سکه طلا ـ داد؛ سپس از او پرسید: آیا



می‌کردند؛ اما غالباً به‌دور از چشم حکام بود و دیگری روز غدیر که آن هم از قدیم الایام عید بود؛ اما باز آشکار نبود؛ با ورود آل‌بویه به بغداد، مراسم شیعیان در این دو روز علنی شد و آنان، با شکوه تمام آن را برگزار می‌کردند؛ گاهی به تاریخ‌هایی چون المنتظم و... نشان می‌دهد که شیعیان در این روزها، مورد تهاجم مخالفان قرار گرفته و غالباً در این نزاع‌های مذهبی، کسانی کشته شده، یا محلاتی گرفتار آتش‌سوزی می‌شد؛ به هر روی، این مراسم به‌تدریج جدی‌تر مطرح شد و بعدها در سایه حکومت‌های شیعی، مانند صفویه و قاجار، با شکوه تمام برگزار می‌شد.

شاید بیراه نباشد، اشاره کنیم که ابن‌عبدالبر اندلسی (م ۴۶۳)، وقتی حدیث غدیر را از صحابه نقل می‌کند، عبارتش این است که «یوم غدیرخم»، پیامبر <sup>(ص)</sup>، این را فرمود؛ معنای این حرف این است که در ادبیات آنان، این تعبیر رسمیت داشته است؛ مطلب او در نقل روایت غدیر این است: « وروی بریده و أبوهیره و جابر والبراء بن عازب و یزید بن أرقم، کل واحد منهم عن النبی <sup>(ص)</sup> . أنه قال یوم غدیر خم: من کنت مولاه فعلی مولاه؛ اللهم وال من ولاه وعاد من عاداه وبعضهم لا یزید علی «من کنت مولاه فعلی مولاه».

• **غدیریه‌های عربی و فارسی در طول قرون**

یک وجه مهم غدیر، ادبیات آن، در شعر عربی و بعدها در شعر فارسی است؛ شاعران عرب، از نخستین روزها تا قرن حاضر، در این‌باره شعر سروده‌اند؛ ادبیات غدیر در قرون نخستین، یکی از جذاب‌ترین موضوعات ادبی بوده و کسی که بیشتر زحمت را برای گردآوری آن اشعار و شرح حال شاعران قصاید عربی غدیریه کشید، علامه امینی <sup>(رحمه الله)</sup> بود؛ کتاب الغدیر، در یازده جلد جلد عربی آن، عمده‌تاً شامل سه مبحث است: سند حدیث غدیر، ادبیات غدیر بر طبق قرون و بخش‌های مهمی از تاریخ اسلام و شرح حال خلفا؛ به‌جز مجلد اول که عمده آن درباره طرق حدیث است، باقی مجلدات، چیزی بین ادب و تاریخ است؛ علامه امینی، تلاش زیادی برای گردآوری اشعار غدیر کرده است.

از نخستین شاعران بزرگ که غدیریه سروده، سید حمیری در قرن دوم هجری است؛ بعدها که شعر فارسی رواج یافت و غدیریه‌های فارسی بسیاری سروده شد؛ از قدیمی‌ترین اشعار در این زمینه، اشعار ناصر خسرو قبادیانی است که در چندین مورد، در اشعارش از غدیر سخن گفته؛ ازجمله:

شرف مرد به‌هنگام پدید آید از او
چون پدید آمد تشریف علی روز غدیر
بر سر خلق مرو را چو وصی کرد نبی
این، به اندوه درافتاد از او، آن به زحیر
حسد آمد همگان را زچنان کار از او
برمیدند و رمیده شود از شیر، حمیر
او سزاید بُد که وصی بُود نبی را در خلق
که برادرش بُد و پِن عم و داماد و وزیر

• **نتیجه‌گیری**

حکومت معاویه در شام نیز ریشه در سقیفه داشت و یک حکومت غربی مستقل به‌شمار نمی‌رفت؛ اصولاً امروزه، سوریه را غرب حساب نمی‌کنند؛ بلکه اروپا و آمریکا را غرب می‌خوانند؛ صفویه همان‌گونه که با امپراطوری عثمانی در غرب مشکل داشت، با ازبک‌ها در شرق نیز درگیر بود؛ البته مذهب تشیع، موجب اتحاد ملی و مذهبی ایرانیان شد و وحّت ملی را به ارمغان آورد و به ایرانیان، هویت مستقلی بخشید؛ بنابراین، غدیر، ریشه در قرآن دارد و یک جشن و مراسم من‌درآوردی و جعلی نیست؛ قبل از صفویه، در دوره آل‌بویه نیز، خیلی قوی و باشکوه برگزار می‌شده است.

وظیفه‌ای [مرسوم بیت‌المال] می‌گیری؟
یزید گفت: خیر؛ عمر، برای او قرار داد و گفت: به بلاد خودت برو؛
همان که به دیگران می‌رسد، به تو هم خواهد رسید.»

• **اقدامات امامان <sup>(علیهم السلام)</sup>، در عید اعلام کردن غدیر**

اینکه غدیر به‌عنوان عید تلقی شده، نکته‌ای است که باید اندکی شرح داد؛ به‌طور کلی باید بگوییم، اهل‌بیت، یعنی امامان <sup>(علیهم السلام)</sup>، از همان آغاز، تأکید بر خواندن نماز خاص روز غدیر و همین‌طور استحباب روزه‌گرفتن در این روز را داشتند؛ مفصل‌بن عمر جعفی، از قول امام صادق <sup>(علیه السلام)</sup> آورده، روزه‌گرفتن در این روز، کفاره [گناهان] شصت سال است؛ بدین‌ترتیب، در تقویم مذهبی مسلمانان، از قدیم‌ترین ایام، روز غدیرخم، شناخته‌شده بوده است؛ در کتاب زین‌الخبار گردیزی (م ۴۳۳) که یک تاریخ سنی است، در بین روزهای تاریخی مسلمانان، به هجده‌هم ذی‌حجه، به‌عنوان روز غدیرخم تصریح می‌کند؛ در میان شیعیان، به‌دلیل تأکید امامان <sup>(علیهم السلام)</sup>، این روز از قدیم‌الایام، عید بوده است؛ یک روایت را به‌عنوان نمونه نقل می‌کنیم: «وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ زَائِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>(علیه السلام)</sup> قَالَ: قُلْتُ لَجُعْلُكُمُ أَغْظَمُهَا وَأَشْرَفُهَا؟ قَالَ: قُلْتُ لَهُ وَآيَ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: يَوْمَ نُصِبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ <sup>(علیه السلام)</sup> فِيهِ عَلِمَ لِلنَّاسِ قُلْتُ لَهُ: جُعْلُكُمُ فَذَاكَ وَمَا يَتَّبِعُ لَنَا أَنْ نَضَعُ فِيهِ قَالَ: نَصُومُهُ يَا حَسَنُ وَتُكَيِّرُ الصَّاهَ عَلَيَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِيهِ وَتَتَبَرَّأُ إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ ظَلَمَهُمْ فَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ كَانَتْ تَأْمُرُ الْأَوْصِيَاءَ بِالْيَوْمِ الَّذِي كَانَ يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ أَنْ يُتَّخَذَ عِيداً قَالَ: قُلْتُ فَمَا لِمَنْ صَامَهُ قَالَ: صِيَامَ سِتِّينَ شَهْراً».

روایتی از ابوهریره هم درباره غدیر هست که اشاره به عیدبودن آن دارد؛ از این رو، حتی در بدترین شرایط، نقل‌هایی بود که اهمیت این روز را که زمینه‌ای برای عیدشدن آن هم شد، گواهی می‌داد؛ این روایت از ابوهریره در یک منبع اهل سنت (تاریخ بغداد) آمده است:

«أَبْنَاءُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بَشْرَانَ، أَبْنَاءُ عَلِيٍّ بْنِ عَمْرِو الْحَافِظِ حَدَّثَنَا ضَمْرَةُ بْنُ رِبِيعَةَ الْقُرَشِيُّ عَنْ ابْنِ شَوْذَبٍ عَنْ مَطَرِ الْوَزَائِقِ عَنْ شَهْرِينَ حَوْشَبِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: مِنْ صَامِ يَوْمِ ثَمَانَ عَشْرَةٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ كَتَبَ لَهُ صِيَامَ سِتِّينَ شَهْراً وَهُوَ يَوْمُ غَدِيرِخِمٍ؛ لَمَّا أَخَذَ النَّبِيُّ <sup>(ص)</sup> بِيَدِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ: «الَسْتُ وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ؟» قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «مَنْ كُنْتُ مُوَلَّاهُ فَعَلِيَ مُوَلَّاهُ» فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: بَخِ بَخِ لَكَ يَا بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مُوَلَّاي وَمَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» [المانده، ۳].».

• **رسمیت روز غدیر، به‌عنوان عید در دوره آل‌بویه**

چنان‌که اشارت رفت، روز غدیر در تقویم مذهبی مسلمانان وارد شد؛ چنان‌که ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰)، هم در قرن پنجم هجری از آن یاد کرده و نوشته است: «والیوم الثامن عشر، یسمی «غدیر» خم وهو اسم مرحلة، نزل بها النبی <sup>(ص)</sup> عند منصرفه من حجةالوداع وجمع القتب والزجال وعلاها أخذاً بعضه علی بن ابی طالب وقال: «ایها الناس! ألسنت أولى بکم من انفسکم؟» قالوا: «بلی» قال: «فمن کنت مولاه، فعلی مولاه؛ اللهم وال من ولاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وأدر الحق معه، حیثما دار» و یروی أنه رفع راسه نحو السماء وقال: «اللهم هل بلغت ثلاثاً ...» بیرونی به‌هانه معرفی تقویم، روایت غدیر را آن هم به‌شکل کاملش نقل کرده است؛ تقویم‌های مذهبی که آن زمان در دسترس ابوریحان بوده، غالباً به روز غدیر اشاره کرده بودند.

در دوره آل‌بویه، دو روز، سخت مورد توجه قرار گرفت؛ نخست روز عاشورا که از قدیم، امامان <sup>(علیهم السلام)</sup> و شیعیان، در آن روز سوگواری